ادامه از صفحه ۱۶

گردشگری روستایی و سفر به گذشته نزدیک

آداب و رسوم، جشن‌ها و اعیاد در روستاها تبلور خاصی دارد و پوشاک و رنگ‌ها، صنایع دستی، هنر، موسیقی، آوازهای محلی، رقص، اشعار، افسانه‌ها، تجسم زندگی در ادبیات عامیانه، نوع معیشت، دانش و علوم بومی، ابزار و آلات کشاورزی، دامداری، پیله‌وری، شیلات، تقویم فعالیت‌ها و دیگر عناصر می‌توانند در یک برنامه‌ریزی معین تبدیل به جاذبه‌هایی مناسب برای سفر به روستاها و آشنایی با زندگی ساکنان آنها شود.

در فرآیند جامعه‌پذیری و آشنایی نسل جوان با این میراث و منابع طبیعی و معنوی اولویت با آموزش جوانان روستایی است که با جاذبه‌های زیبا و گرانقدر گذشته آشنا شوند و ضمن حفظ، بازسازی و ارتقای آنها تلاش کنند با استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی این جاذبه‌ها را به مردم دنیا معرفی کنند تا در عصر جهانی‌شدن دیگر جوامع نیز با هویت فرهنگی و تاریخی مردم ما بیشتر آشنا شوند و روستاها را به‌عنوان مقاصد گردشگری انتخاب کنند. در برخی کشورها چون فرانسه و آلمان برای یادآوری نمونه‌هایی از زندگی روستایی و گذشته نزدیک، برخی از عناصر و ویژگی‌های روستاها به‌صورت نمونه بازسازی شده‌اند و روزانه هزاران گردشگر از آنها بازدید می‌کنند. در ایران «موزه میراث روستایی گیلان» به همت دکتر محمود طالقانی به نحو فاخری در ابتدای جاده رشت به تهران با انتقال و استقرار خانه‌های روستایی قدیمی گیلان بنیان‌گذاری و تاسیس شده است. این پایگاه در نوع خود در سطح جهان کم‌نظیر است و بازدید از چنین موزه‌ای که در آن خانه‌ها، لوازم و تجهیزات زندگی، مسیرها، مناسبات محلی، لباس، پوشاک و موسیقی‌های دلنواز گیلکی به‌صورت زنده به نمایش درآمده‌اند، یادآور زندگی طبیعی میراث فرهنگی، حس نوستالژیک و احساسات بی‌آلایش زندگی مردم آن دیار است. گردشگری روستایی در ایران به‌عنوان بخشی از جاذبه‌های صنعت گردشگری در قالب بوم‌گردی و تجربه استفاده از اقامتگاه‌های روستایی نیز قابلیت توسعه را دارد. گردشگری روستایی با تعیین استراتژی مشخص و استفاده از نظر کارشناسان و مشاوران متخصص و حمایت‌های همه‌جانبه نهادهای دولتی و مردمی و مشارکت فعال بخش خصوصی، امکان توسعه و رونق را پیدا خواهد کرد. ایفای نقش رسانه‌های ملی در اعتلای فرهنگ عمومی خصوصا در توسعه تعامل فرهنگی و تسهیل فرآیند میهمانی و میزبانی و آموزش‌های حرفه‌ای و ترویج دانش در این خصوص امری مهم و ضروری است که همت بیشتر مردم، دولت، شوراها، دهیاری‌ها و بخش خصوصی را می‌طلبد.

*** مدیرعامل انجمن علمی گردشگری ایران**

گران‌ترین و خسارت‌بارترین روش استحصال آب در دنیا

به گفته مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب کشور، در حال حاضر مطالعات برخی کریدورها به اتمام رسیده است که مثلا می‌توان به کریدور دریای عمان به شمال استان سیستان‌وبلوچستان و کریدور انتقال آب به بخش‌هایی از کرمان و جنوب یزد اشاره کرد. طبق برآورد بخش خصوصی قیمت هر مترمکعب آب انتقال یافته به کرمان حدود هفت تا هشت‌هزارتومان است.

طرح انتقال آب خلیج‌فارس به فلات مرکزی جزو طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای به شمار می‌رود که در بین روش‌های استحصال آب یکی از گران‌ترین و خسارت‌بارترین روش‌ها (بر محیط‌زیست) به شمار می‌آیند و اگر با روش شیرین‌کردن آب هم تلفیق شوند، آنگاه گران‌ترین روش به‌صورت مطلق برای استحصال آب در دنیا هستند. صرف‌نظر از توجیه‌داشتن یا نداشتن این‌گونه پروژه‌ها، ایرادات زیادی در شبکه آب شهری و روستایی کشور وجود دارد که منجر به تلفات زیاد در خطوط انتقال و توزیع می‌شود، مثلا در کلان‌شهر تهران تلفات فیزیکی و غیرفیزیکی شبکه، قبل از تحویل آب به مصرف‌کننده بین ۲۰ تا ۴۰درصد است. بعد از تحویل آب حدود ۳۰درصد تلفات توسط مشترکان صورت می‌گیرد. نباید این نکته را هم فراموش کرد که مصرف سرانه بخش خانگی دو برابر متوسط جهانی است.

همچنین استفاده از آب تصفیه شده برای شست‌وشو، استحمام و... یکی‌دیگر از عوامل هدررفت و اتلاف آب است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بین ۸۰ تا ۸۵درصد از آب مصرفی در شبکه شهری نیاز به تصفیه تا حد استانداردهای آب شرب را ندارد. با توجه به هزینه‌های بالای آب تصفیه‌شده، بسیاری از کشورها از شبکه‌های دوگانه استفاده می‌کنند که آب شرب و غیرشرب تفکیک شده‌اند. در انتها به نظر می‌رسد قبل از مطرح‌کردن چنین پروژه‌های عظیمی بهتر است در اصلاح شبکه انتقال، توزیع، تفکیک آب شرب از غیرشرب و فرهنگ‌سازی در بخش خانگی اقدامات لازم صورت گیرد و سپس بنا به ضرورت، چنین پروژه‌های کلانی آن هم به‌صورت موردی مطرح شود.

***دانشجوی مقطع دکترای رشته مهندسی آب دانشگاه علوم و تحقیقات تهران**

اشکانیان داغدار تخریب موزه موصل

بخشی از آثار تخریب شده مربوط به تمدن ایران بود

صدرا محقق

گروه تروریستی داعش ۹ماه بعد از تصرف شهر موصل در شمال عراق، تصاویری از تخریب آثار باستانی موزه این شهر منتشر کرد. در این تصاویر بسیاری از تندیس‌های باستانی موجود در این موزه با وسایلی مانند پتک و مته توسط اعضای داعش از بین برده می‌شود. تعدادی از باستان‌شناسان ایرانی در گفت‌وگو با «شرق» می‌گویند بخشی مهمی از تندیس‌هایی که داعش تخریب کرد بازمانده از تمدن‌های تاریخی ایرانی مانند اشکانیان بوده‌اند. در همین باره یعقوب محمدی‌فر دکترای باستان‌شناسی می‌گوید به اعتقاد من امروز اشکانیان داغدار تخریب آثار موزه موصل توسط داعش هستند.

فیلم تخریب آثار موزه موصل روز پنجشنبه هفته گذشته توسط رسانه‌های متعلق به گروه داعش منتشر شد، آثاری که در این فیلم در حال تخریب هستند تندیس‌ها و دیگر نمادهای بازمانده از تمدن‌های شکوهمند میان‌رودان (بین‌النهرین) مانند آشوری، اکدی، اشکانی و... است.

اعضای تکفیری و تندروی مذهبی داعش معتقدند آثاری که تخریب کرده‌اند بت بوده‌اند و آنها نیز بت‌شکنی کرده‌اند.

برخی از آثار مهم تخریب‌شده در این حمله به موزه موصل شامل تندیس‌های گاومردهای باستانی بازمانده از تمدن آشور و همچنین تعدادی از تندیس‌های بازمانده از دوره اشکانیان در شهر تاریخی هترا (الحضر) هستند. یکی از شاخص‌ترین آثاری که در این رویداد به دست اعضای داعش ویران می‌شود تندیس معروف دومتر و ۲۰سانتی‌متری پادشاه اوپال از حاکمان محلی هترا در دوره اشکانیان است. این تندیس از سنگ مرمر ساخته شده است و یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی بازمانده از دوره اشکانیان است.

برای آگاهی از میزان اهمیت موزه شهر موصل و همچنین یافتن ارتباط تمدنی آثار موجود در آن با تمدن ایران‌باستان به سراغ سه باستان‌شناس و استاد دانشگاه رفته‌ایم. یعقوب محمدی‌فر معاون دانشگاه بوعلی همدان و دارنده مدرک دکترای باستان‌شناسی است. او در همین باره به «شرق» می‌گوید: «از دوره هخامنشیان و به‌خصوص در دوره اشکانیان، عراق کنونی بخشی از حوزه تمدنی ایران قرار گرفت، حتی در دوره ساسانیان و تا پایان کار این سلسله هم همین‌گونه بود، پایتخت ساسانیان تیسفون بود که شهری در عراق است، آنجا یکی از مناطقی است که در دوره تاریخی برای ایران بسیار مهم بود. در حقیقت در بیشتر دوره‌های تاریخی، غرب ایران کنونی برای ما مهم بود، دلیل آن نیز به‌خاطر ارتباطات زیادی بود که با تمدن روم داشتیم، در آن دوره فرات مرز طبیعی ما با روم بود و به همین جهت میان‌رودان (بین‌النهرین) برای ایران بسیار حایز اهمیت بود.»

محمدی‌فر در ادامه می‌افزاید: «در دوره اشکانیان از لحاظ سیاسی ساختار دولت به این شکل بود که یکسری حکومت‌های نیمه‌مستقل (مشابه فدرالیسم کنونی) که اختیارات وسیعی داشتند، اما در حالت کلی تابعی از دولت مرکزی بودند در مناطق مختلف حکمرانی می‌کردند، در همین دوره در شهر باستانی هترا در ۱۵۰کیلومتری جنوب موصل کنونی حکمرانان محلی حکومت می‌کردند که در حقیقت بخشی از اشکانیان بودند، بخش زیادی از آثار موجود در موزه موصل از همین دوره و همین شهر هترا به دست آمده بود. کاوش‌های این شهر از حدود ۸۰سال پیش توسط باستان‌شناسان فرانسوی و عراقی انجام شد و تعدادی از مهم‌ترین تندیس‌های به‌دست‌آمده در این کاوش‌ها که نشانی از تمدن اشکانیان، بوده‌اند در حمله داعش به موزه موصل تخریب شد، به همین خاطر است که معتقدم امروز اشکانیان داغدار این تخریب هستند.»

این باستان‌شناس همچنین درباره دیگر آثار موجود در موزه موصل نیز این‌گونه توضیح می‌دهد: «بخش دیگری از آثاری که در این موزه نگهداری می‌شد و توسط داعش تخریب شد تندیس گاومردها (گاو بالدار) است که از تمدن آشور برجای مانده است. تمدن آشور در بین‌النهرین یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری محسوب می‌شود، به همین دلیل است که در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا رشته آشورشناسی تدریس می‌شود، تمدن آشوری بر تمدن‌های پس از خود مانند هخامنشیان و همچنین مصر بسیار تاثیرگذار بود، یک نمونه از این تاثیرگذاری را می‌توان از تندیس گاومرد موجود در دروازه ملل تخت جمشید دید.»

به گفته محمدی‌فر یکی دیگر از نکات غم‌انگیز درباره تخریب آثار تاریخی به‌دست‌آمده از شهر هترا در موزه موصل توسط گروه داعش و به نام مذهب، این است که این شهر باستانی یکی از مثال‌زدنی‌ترین نمونه‌های همزیستی دینی در تاریخ بوده است، به گفته این باستان‌شناس در یکی از میادین اصلی شهر هترا در حدود ۱۴معبد و نیایشگاه مربوط به ادیان مختلف از کنیسه‌های یهودی و معابد میترائیسم (پرستش خورشید) تا معابدی مربوط به ادیان دیگر که برای بشر کنونی شناخته‌شده نیستند، وجود داشت که همین مساله نشان می‌دهد در آن دوره تساهل و همزیستی دینی در این شهر به شکلی منحصربه‌فرد رعایت می‌شد. با وجود این همین شهر امروزه قربانی تندروی دینی گروهی خشک‌مغز شده است.

مهدی رهبر باستان‌شناس پیشکسوت نیز در رابطه با همین موضوع در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «در دوره‌ای تاریخی، فرهنگ ایرانی در میان‌رودان رایج بوده است، به‌عنوان مثال در دوره هخامنشی از سند تا دانوب تحت سیطره این حکومت بوده، در دوره اشکانیان هم به‌دلیل درگیری‌های زیاد با رومیان این منطقه مرز ایران با روم بود که نشانه‌های اشکانیان را می‌توان در شهر باستانی هترا دید؛ به همین دلیل بدون شک بخش زیادی از آثار موجود در موزه موصل که اخیرا تخریب شده به تمدن ایران مربوط می‌شوند، اما حتی اگر این آثار ربط مستقیمی به ما نداشته باشد -که حتما دارد- باید همه‌باهم این اقدام وحشیانه را محکوم کنیم، چراکه آثار فرهنگی متعلق به همه جهان است.»

علی هژبری، باستان‌شناس نیز که به «شرق» می‌گوید برای بررسی جزییات ماجرا فیلم منتشرشده از تخریب موزه موصل را ۱۶بار مشاهده کرده است چنین نظری دارد: « به‌صورت مشخص چندتا از آثاری که در این فیلم تخریب می‌شود متعلق به دوره اشکانیان بود که از شهر باستانی هترا توسط فواد صفر باستان‌شناس عراقی به دست آمده بود. هترا یکی از شهرهای مهم دوره اشکانی است. کتاب نتایج کاوش این باستان‌شناس که حاوی اطلاعات و عکس‌هایی از آثار به‌دست‌آمده در هتراست، در ایران هم ترجمه و چاپ شده بود. فواد صفر در آن کتاب نوشته است که این آثار به موزه بغداد تحویل داده شده است، به همین دلیل من امیدوارم که آثار موجود در موزه موصل مولاژ باشند.»

او در رابطه با اهمیت تندیس‌های به‌دست‌آمده در هترا نیز می‌افزاید: «همه تندیس‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها در هترا تمام‌قد و با پایه سنگی هستند، روی بعضی از پایه این تندیس‌ها هم کتیبه‌ای هست که اسم شخص و جزییاتی دیگر درباره او به خط پهلوی اشکانی نوشته شده است. علاوه‌براین ما از دوره هخامنشی آثار مهمی در این منطقه داریم؛ از زمانی که کوروش برای فتح نواحی غربی و لودیه در آسیای صغیر می‌رود تا زمانی که داریوش در کتیبه بیستون از فتوحات در بابل می‌نویسد، میان‌رودان در دست ایرانیان بود. به همین دلیل پیشنهاد من این است که ما برای کمک برادرانه به عراق براساس قوانین صریح یونسکو که اجازه کار را هم می‌دهد (قانونی مصوب ۱۴ می سال۱۹۵۴ در لاهه به اسم قانون مربوط به قرارداد حمایت از آثار فرهنگی به هنگام جنگ) برای حفاظت از مابقی آثار تاریخی موجود در عراق و برای جلوگیری از تخریب بیشتر، آثار تاریخی آنها را به رسم امانت به ایران منتقل کنیم تا پس از آرام‌شدن وضعیت به آنجا برگردانیم؛ در غیراین‌صورت باید همچنان منتظر خبر تخریب‌های بیشتری مشابه فاجعه موزه موصل باشیم.»

ادامه از صفحه ۱۶

مازراتی برای یک شب

الان خیلی‌ها با عناوین مختلف وارد این کار شده‌اند و ماشین اجاره می‌دهند ولی اکثرشان اصلا شرکت ثبت‌شده ندارند. مثلا طرف کارش خریدوفروش خودرو است. شرکت خریدوفروش خودرو ثبت کرده ولی ماشین اجاره می‌دهد.»

آرزومندی برای یکی‌شدن با فرادست

در این‌راستا آرش حیدری، پژوهشگر اجتماعی، ریشه بروز چنین پدیده‌هایی را جست‌وجو ذیل مصرف نمایشی و هویت‌یابی ذیل مصرف بیان می‌کند و آن را یکی از بحران‌های وضعیت سرمایه‌سالار می‌داند و ویژگی چنین وضعیتی را شکاف طبقاتی عمیق بین سطوح مختلف اجتماع و تاکید بر نقش پررنگ اقتصاد سیاسی در توزیع آرزومندی‌ها و ابزارها و امکانات رسیدن به این آرزومندی‌ها برمی‌شمرد و می‌گوید: «آرزوها و امیال گویی شاکله‌ای استانداردشده به خود می‌گیرند و ذیل چنین وضعیتی سامان هویتی انسان را تعیین می‌کنند. از دیگرسو وضعیت‌های ساختاری که مقید به اقتصاد سیاسی هستند، امکان تحقق برابر این آرزوها را نمی‌دهند. به عبارت دیگر اگرچه برابری در توزیع آرزومندی‌ها در حیات اقتصادی و فرهنگی وجود دارد اما نابرابری در تحقق این آرزومندی‌ها شکافی عمیق را به‌وجود می‌آورد که از یک‌سو انبوهی از طردشدگان، مفلسان و فقرا را پدید می‌آورد و از دیگرسو حرص و ولعی سیری‌ناپذیر در بالای سلسله‌مراتب طبقاتی. در این وضعیت ناسازه عمیق اینجاست که فرودست تمام تلاشش در جهت همانندسازی با ارزش‌ها و هنجارهای تولیدشده در نظام مقید به اقتصاد سیاسی مبتنی‌بر توزیع نابرابر و ناعادلانه است. اینجا وضعیت نابرابری در هویت‌یابی، سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در دو سو بازتولید می‌شود. ازیک‌سو میل سیری‌ناپذیر مصرف‌کننده دارا و از دیگرسو میل سیری‌ناپذیر طردشده و ندار برای همانندشدن با فرادست. هر دوی اینها در یک میدان سرمایه‌سالار بازی می‌کنند و هر دو در بازتولید ساختار نابرابر ایفای نقش می‌کنند. یکی با مصرف و ارتقای هرروزه خود با کمک سرمایه‌ای که در وضعیت نابرابر اندوخته است و دیگری با میل‌ورزی و آرزومندی افسارگسیخته برای یکی‌شدن با فرادست. هر دو به‌یک‌میزان ذیل حکومت کالای نفرین شده‌اند.»

اعتماد؛ مهم‌ترین متغیر سرمایه اجتماعی

فریبا مهاجری‌نوشیروانی

شرق: شکی نیست که یکی از موثرترین پارامترهای توسعه هر جامعه‌ای، اعتماد عناصر آن جامعه به یکدیگر است. برای برنامه‌ریزان جامعه، عنصر اعتماد آنقدر اهمیت دارد که در «سرمایه اجتماعی» یکی از مهم‌ترین پارامترها درنظر گرفته شده است. در واقع تحولات اجتماعی و سیاسی هر جامعه‌ای از همین سرمایه برمی‌خیزد و بستر تحولات اقتصادی می‌شود. اعتماد ارکان قدرت به مردم و مردم به ارکان قدرت را می‌توان به‌راحتی در میان کشورهایی که تحولات اقتصادی پیشرفته‌ای داشته‌اند - چه در گذشته و چه در حال - مشاهده کرد. در اصل، بدون این عنصر، توسعه نمی‌توانسته یا نمی‌تواند رخ دهد.

در همین ارتباط اخیرا گزارشی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده که نقش اعتماد و اعتمادسازی میان ارکان قدرت و مردم در ایران را به بوته نقد گذاشته است. برمبنای این گزارش که عنوان آن «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب‌وکار ایران» است، این ضرورت مورد تاکید قرار گرفته که نهادهای دولتی در ایران باید سیاست‌ها و رویکردهای نوینی را برای تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی اتخاذ کنند. یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این گزارش، عنصر اعتماد است. در واقع این سوال مطرح است که مردم چقدر به خود و چقدر به ارکان قدرت، اعتماد دارند.

در این پژوهش یکی از موضوعات مطرح‌شده این بود که «اعتماد بین‌شخصی به اعضای خانواده، اقوام و خویشان و دوستان» چقدر است؟ در این ارتباط سه سوال مطرح شد؛ اول آنکه شما اعضای خانواده را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؛ دوم، شما اقوام و خویشان خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید و سوم، شما دوستان خود را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؟ درخصوص سوال اول حدود ۴۰درصد به اعضای خانواده خود کاملا اعتماد داشتند؛ به عبارت دیگر ۶۰درصد اصلا اعتماد ندارند. اما در سوال دوم و سوم ما به پاسخ‌های مثبت ۶/۵درصد و ۵/۶درصد می‌رسیم. بیان دیگر آن، این است که نبود اعتماد به خویشان و دوستان بالای ۹۲درصد است.

بخش دیگر این گزارش که می‌تون آن را یک نظرسنجی تمام‌عیار دانست به اعتماد بین‌شخصی به گروه‌ها و اصناف که مرکز پژوهش‌ها آن را اعتماد نهادی نام نهاده، برمی‌گردد. اعتماد به قضات، رانندگان تاکسی، بنگاه‌داران، تجار و بازاریان، نیروی انتظامی، معلمان و اساتید دانشگاه‌ها از مواردی است که پاسخ‌دهندگان به آن، پاسخ‌های جالب‌توجهی داده‌اند. کمترین اعتماد در این میان به بنگاهداران با سه‌درصد است. پس از آن تجار و بازاریان با ۱۱/۵درصد قرار دارند، رانندگان تاکسی رده سوم را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن قضات با ۳۳درصد قرار دارند. معلمان و استادان دانشگاه‌ها توانسته‌اند با ۷۷ و ۷۴درصد بالاترین اعتماد را به خود جلب کنند. (جدول زیر را نگاه کنید)

یک ارزیابی دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس درخصوص «نگرش منفی شهروندان به یکدیگر است».

از شهروندان پرسیده شده «به نظر شما هر کدام از خصوصیاتی که نام می‌بریم تا چه اندازه در میان مردم رواج دارد؛ دورویی و تظاهر، تقلب و کلاهبرداری، تملق و چاپلوسی.» پاسخ‌ها در خور تامل است: به سوال اول ۶۴/۵درصد پاسخ مثبت داده‌اند؛ سوال دوم، ۶۹درصد و سوال سوم، ۶۴/۶درصد!

با این «اعتماد» چگونه می‌توان به توسعه اقتصادی دست یافت؟ چرا «بی‌اعتمادی» در جامعه اینقدر گسترش یافته؟ پاسخ به این سوالات وقت دیگری را می‌طلبد. اما این آمارها می‌تواند سرمنشا بسیاری از تحولات شود.

جدول اعتماد به مشاغل خاص

میزان اعتماد به مشاغل	کم	متوسط	زیاد
قضات	۳۱/۸	۳۵/۱	۳۳/۱
رانندگان‌تاکسی	۲۸/۸	۴۹/۶	۲۱/۶
بنگاه‌داران	۷۷/۳	۱۹/۷	۳
تجار و بازاریان	۴۹/۴	۳۹	۱۱/۵
نیروی انتظامی	۲۰/۳	۲۵/۲	۵۴/۵
معلمان	۵/۲	۱۷/۵	۷۷/۳
اساتید دانشگاه	۵/۵	۲۰/۷	۷۳/۸